

# بنیامین اجتماع را خوب شناخت



گفتگو

تورج شعبانخانی را در یک نشست «پیش‌بینی نشده» دیدیم. اگر برای این گفتگو «آمادگی قبلی» وجود داشت، سوالات زیادی را آماده می‌کردیم... اما گفتگو با چهره‌ای که سال‌های سال است به عنوان آهنگساز درجه یک در موسیقی پاپ ایران مطرح بوده و هست، به هر حال خواندنی است.

**تورج:** آقای شعبانخانی از جایی شروع کنیم که شما وارد دنیای آهنگسازی شدید.

من از ۱۹ سالگی وارد این کار شدم. الان ۵۶ سال دارم و در واقع ۳۷ سال است که مشغول کار هستم. البته این وسط ۱۷ سال اصلاً کار نکردم. در واقع دوران پس از انقلاب تا سال ۷۵-۷۴ بیکار بودم چرا که دعوتی از من به عمل نیامد. اما وقتی تلویزیون از من دعوت به همکاری کرد، فعالیتیم در حیطه آهنگسازی پاپ را از سر گرفتم.

اولین کاری که به صورت حرفه‌ای انجام دادم، همکاری ام‌با مرحوم فریدون فروغی در فیلم «آدمک» بود. خدا رحمت کند آقای خسرو هریتاش، کارگردان این فیلم را. در جایی برنامه ما را دید و از من خواست آهنگسازی فیلمش را انجام دهم. برای این فیلم دو کار ساختم به نام‌های «آدمک» و «پروانه من». قرار بود خودم کار را بخوانم اما با توجه به این که باید به سربازی می‌رفتم، در نهایت قرار شد فریدون فروغی خواننده این کارها باشد. فریدون را خودم پیشنهاد دادم و خدا بیا مرز فریدون کارها را بسیار خوب خواند.

**تورج:** در واقع آقای هریتاش شما را کشف کرد. ایشان آدم صاحب نظری در موسیقی بود؟

بله، ما بعداً متوجه شدیم که ایشان به شدت علاقمند به موسیقی است و شبی یک ساعت موسیقی گوش می‌کند. در واقع آقای هریتاش با موسیقی بزرگ شده بود و علاوه بر کارگردانی، به موسیقی نیز می‌پرداخت.

**تورج:** و ادامه ماجرا؟

خلاصه فیلم آدمک اکران شد و موسیقی من به شدت مورد توجه قرار گرفت و رسماً وارد دنیای حرفه‌ای شدم.

**تورج:** سن و سال کم شما باعث تعجب اهالی موسیقی و سینما نشده بود؟

چرا، مسلماً جای تعجب داشت که یک جوان ۱۹ ساله چنین کاری را ساخته. مرحوم عباس مهرپویا که من به شدت عاشق این مرد بوده‌ام، از من خواست موسیقی را جدی‌تر و علمی‌تر دنبال کنم و در واقع استعدادم را هدایت کنم. آن زمان من یک گروه موسیقی داشتم که کارهای روز دنیا را می‌نواختیم و در برنامه‌ها شرکت می‌کردیم. همان زمان تلویزیون آگهی جذب خواننده داده بود و من در نهایت توانستم بین چهار هزار نفر قبول شده و وارد تلویزیون شوم. فقط چهار نفر برگزیده شدند که یکی از برگزیده‌ها من بودم. خانم سیمین قائم، آقای عقلی و... هم جزو همین برگزیده‌ها بودند. ما چهار نفر در کلاس استاد حنا حنا شرکت می‌کردیم و این استاد بزرگوار با من به صورت جداگانه هم کار می‌کرد. استاد حنا من را به ساختن ملودی‌های بیشتر تشویق کرد. باید اذعان

کنم که هرچه در موسیقی یاد گرفته‌ام، از استاد حنا بوده است.

**تورج:** تا الان که همه آدم‌های قصه شما «خوب» بوده‌اند. قصه شما «آدم بده» نداشته است؟ می‌خواهم ببینم آن زمان فضا این گونه بوده یا شما آدم خوش شانس‌ی بوده‌اید؟

من آدم خوش شانس‌ی بودم و گر نه آدم‌های ناراحت، آن زمان هم وجود داشت. آشنایی با استاد حنا کمک زیادی به من کرد. ایشان موسیقی فیلم می‌ساخت، رئیس شورای موسیقی بود، خودش به همراه ارکستر شخصی‌اش مرتب در حال برگزاری کنسرت در خارج از کشور بود و واقعاً کارش بین‌المللی بود.

**تورج:** تا پیش از انقلاب چند آهنگ ساخته بودید؟ فکر می‌کنم حدود دو بیست و چهل تا.

**تورج:** از جمع این کارها چند تا بیش را فریدون فروغی اجرا کرد؟

آدمک، فاصله، بی‌گناه و تکیه بر باد کارهایی بودند که فریدون از من خواند.

**تورج:** دو بیست و چهل کار به نظر زیاد می‌رسد. آن زمان تعداد کار بالا عرف بود؟

خب بازار طلب می‌کرد. از سوی دیگر من جوان بودم و ورزشکار. در نتیجه انرژی زیادی برای کار داشتم. بعد از انقلاب، مقداری افت کردم و چندین و چند سال بیکار بودم، اما شکر خدا مشکلات آن دوره هم تمام شد.

**تورج:** احساس نمی‌کنید در ست همین دوران بیکاری می‌توانست پرنرزی‌ترین و باپتانسیل‌ترین دوران کاری شما باشد؟

چرا موافقم. شاید در همین دوران می‌توانستم پخته‌ترین کارهایم را انجام دهم. من همین الان با

توجه به سابقه کاری‌ام باید با خواننده‌هایی کار کنم که صداهای خوبی داشته باشند. در واقع نمی‌توانم برای هر کسی آهنگ بسازم. دلیل کم کاری من و موزیسین‌های هم‌نسل من فقط همین است. البته خودم علاقمندم بچه‌هایی را که صداهای خوبی دارند، اما از فاکتور علم بی‌بهره‌اند، بالا ببرم. الان آرزویم این است که پرکار شوم و بتوانم دینی را که به این نسل دارم، ادا کنم.

نسل جدید موسیقی ما نسل پرنرزی و بااستعدادی است. من برای شما شادمهر عقلی را مثال می‌زنم. روزی در استودیو دیدم که این بچه چگونه زهی کارش را به زیبایی نواخت، بعد با کیبورد کارهای دیگر تنظیم را انجام داد و در نهایت با گیتارش به بهترین نحو هم آکورد زد و هم ملودی. من واقعاً لذت بردم. بوسیدمش و بابت این استعداد به او تبریک گفتم. باور کنید اگر به این نسل توجه شود، می‌تواند حادثه‌ساز باشد و حتی در صحنه‌های بین‌المللی نیز مطرح شود. اما نمی‌دانم چرا دفتر موسیقی وزارت ارشاد به این استعدادها علاقه نشان نمی‌دهد؟ این بی‌توجهی و بی‌علاقگی باعث شده تا خیلی از این استعدادها حرام شوند.

**تورج:** شما در کنار آهنگسازی، خوانندگی هم کرده‌اید. خواندن چقدر به کار آهنگسازی شما کمک کرده یا بالعکس؟ و این که چقدر وارد حیطه تنظیم شده‌اید؟

اصولاً کار موسیقی با کلام، به یک صدای خوب احتیاج دارد که بتواند حق مطلب را ادا کند و به تلفیق‌های صحیح برسد. خواندن به آهنگسازی کمک شایانی می‌کند. مرحوم بیات صدای بسیار خوبی داشته و اگر چه هیچ‌گاه به صورت رسمی وارد

حیطه خوانندگی نشدند اما از این صدای خوب برای ارائه بهتر کارهایشان بهره گرفتند. ولی قضیه من متفاوت است. من از ابتدای کار به صورت خواننده رسمی تلویزیون فعالیت کردم و همین مسأله من را در ساختن ملودی‌ها یاری کرد. بعدها تصمیم گرفتم بیشتر سازم و کمتر بخوانم. البته نمی‌خواستم کاملاً از دنیای خوانندگی فاصله بگیرم و به همین دلیل هر چند سال یک بار چند ترانه اجرا می‌کردم که بد هم نبود، مثل «بهار بهار».

**انقلاب** به جز بهار بهار چه کارهای دیگری با صدای شما شاخص شد؟

بهار بهار در آلبومی قرار داشت به نام «غزل» که شامل پنج ترانه بود. فکر می‌کنم سال ۷۸ این آلبوم به بازار آمد. من قبل از انقلاب هم آلبوم منتشر کرده بودم البته به نام تورج. آن زمان نام خانوادگی‌ام را کسی نمی‌دانست. بعد از انقلاب به دستور وزارت ارشاد فامیلی‌ام را هم در کنار اسم کوچکم قرار دادم. به همین دلیل خیلی‌ها نمی‌دانند که بسیاری از کارها ساخته من است. «هنوز چشماي تو...» یکی دیگر از کارهای من است که در مقام خواننده مورد توجه قرار گرفت.

**انقلاب** در مورد دوران به حیطه تنظیم صحبت نکردید. من خیلی کم وارد حیطه تنظیم شدم. کار آدمک که آغاز کار حرفه‌ایم بود را خودم تنظیم کردم اما بعدها که حرفه‌ای تر شدم، تصمیم گرفتم این کار را به کاردانش سپارم و با کسی همکاری کنم که صرفاً تنظیم کننده باشد.

**انقلاب** با چه کسی هماهنگ تر بودید؟ من بیشتر کارهایم را با اریک انجام دادم، مگر کارهایی که کمی حال و هوای سنتی تری داشت.

**انقلاب** بعد از انقلاب چه باز هم کسی بود که با او هماهنگ تر باشید؟ نه، بعد از انقلاب تا به امروز با حدود ۱۸-۱۷ تنظیم کننده کار کرده‌ام.

**انقلاب** ملودی‌ها آسیب ندید؟ نه. خوشبختانه با توجه به علاقه بچه‌ها به من، برای تنظیم کارهایم سنگ تمام گذاشتند. الان دارم با آقای علی موثقی همکاری می‌کنم. ایشان هم به من لطف دارند. من کارهای دیگر ایشان را هم شنیده‌ام که بسیار خوب بوده، اما به شیرینی کارهایی که با من انجام داده‌ام، نیست. عبدی یمنی هم همین طور.

**انقلاب** تالیف یک آهنگساز پنجاه و شش ساله با یک تنظیم کننده بیست و چند ساله ثمره جالبی دارد! بله، خیلی زیاد. موسیقی زبانی است که آدم‌ها را به هم نزدیک می‌کند و نتیجه همکاری‌های من با دوستان جوان هم اصولاً راضی کننده بوده است.

**انقلاب** به نظر شما لازم است که یک آهنگساز لزوماً ترانه‌سرا هم باشد؟

ترانه‌سرایی یک کار کاملاً تخصصی است. من ترانه کارهای آدمک و پروانه من را خودم گفتم اما از آن به بعد تصمیم گرفتم با ترانه‌سرایان حرفه‌ای مثل اردلان سرفراز همکاری کنم.

**انقلاب** آخرین کارهایی که خودتان خواندید، کدام کارها بود؟ همان آلبوم غزل بود.

**انقلاب** که بعضی از ترانه‌هایش را سایر خواننده‌ها هم خواندند.

بله، «سر سپرده» را هومن بختیاری خواند. بهار بهار را مرحوم ناصر عبداللهی اجرا کرد. من برای این

که خودم را محک بزیم، کارها را در اختیار سایر خواننده‌ها قرار دادم. البته همه می‌گویند که کاش این کار را نمی‌کردی چرا که هیچ کدام از این دوستان نتوانسته‌اند حس کار را به خوبی خودت در بیاورند.

**انقلاب** بعد از سی و چند سال حضور حرفه‌ای در دنیای پاپ، از جایگاهی که الان دارید، راضی هستید؟ بله راضی هستم ولی هنوز در خودم می‌بینم که برای جوان‌ها کارهای بهتری انجام دهم، اما متأسفانه بعضی‌ها این وسط سنگ اندازی می‌کنند. خیلی از دوستان خواننده که نزد من می‌آیند، می‌گویند: به ما گفته بودند شما در ایران نیستید و ما یکی، دو سال است که دنبال شمایم! نمی‌دانم چرا این گونه است. من دوست دارم برای جوان‌ها کاری انجام دهم و باور کنید اگر صدای خوبی به پستم بخورد، برایش اسپانسر هم می‌گیرم.

**انقلاب** این محبتی که الان به جوان‌ها دارید، به خاطر محبت‌هایی است که در دوران جوانی از بزرگ‌تره‌ایتان دیده‌اید. این طور نیست؟

دقیقاً همین طور است. آن موقع عباس مهریو با یک خواننده سطح بالا بود. من وقتی برای بار اول ایشان را دیدم، باور نمی‌شد که تحویل بگیرم، اما ایشان با روی باز از من استقبال کرد. قدیمی‌ها این گونه بودند. اما متأسفانه الان هیچ‌کس دیگری را قبول ندارم و این خیلی بد است. این جوان‌ها که اینقدر استعداد دارند، بهتر است بیشتر همبستگی داشته باشند.

**انقلاب** الان در موسیقی پاپ چه کسانی را موفق‌تر می‌بینید؟

من خواننده‌ای مثل بنیامین را بسیار موفق می‌دانم. بنیامین با سن کم خود، اجتماع ما را خوب شناخت و کارهایی را عرضه کرد که به موفقیت رسید. البته به آقای اصفهانی، نیما مسیحا و... هم ارادت دارم.

**انقلاب** شما بنیامین را به عنوان یک خواننده-آهنگساز می‌بینید؟

دقیقاً همین طور است. خواننده‌ای که به صورت حرفه‌ای آهنگسازی می‌کند و می‌داند کارش را چگونه پیش ببرد.

**انقلاب** بیش از انقلاب، ارتباط شما با خواننده، ترانه‌سرا و تنظیم کننده کارهایتان چگونه بود؟ در واقع شما با تیم کاری‌تان چه ارتباطی داشتید و آیا الان این نوع ارتباطها وجود دارد؟

نه، الان متأسفانه وجود ندارد. آن زمان ما تبدیل به یک خانواده می‌شدیم، دست هم را می‌گرفتیم و با هم رفاقت می‌کردیم. همین مسأله باعث خلق آثار خوب و درخشان می‌شد. الان این نوع ارتباطات کمتر است. آن زمان ما برای کار مایه می‌گذاشتیم. خیلی وقت‌ها می‌شد روی یک ملودی ده یا بیست شب وقت می‌گذاشتم اما چون از نتیجه کار راضی نمی‌شدم، کار را منتشر نمی‌کردم. الان حرف من با جوان‌ترها همین است. نباید توقع داشت اولین ملودی که به ذهن یک موزیسین می‌رسد، عالمگیر شود. باید اتودهای مختلف ساخت و از میان آنها بهترین را انتخاب کرد.

**انقلاب** طی این سال‌ها چند کار بوده که شما ساخته‌اید، اما در نهایت با خواننده به توافق نرسیده‌اید و به خواننده دیگری واگذار کرده‌اید؟ تا به حال اتفاق نیفتاده. من هر کاری را می‌سازم در اختیار همان خواننده‌ای قرار می‌دهم که متقاضی اول کار بوده.

**انقلاب** وقتی می‌خواهید کار ملودی سازی را شروع کنید «بسم...» می‌گویید؟ طبعاً همین طور است. ما مسلمان‌ها اعتقاداتی داریم و به آن پایبندیم. من اصولاً با توسل به علی (ع) کارم را شروع می‌کنم.

**انقلاب** وقتی انقلاب شد، بسیاری از هنرمندان موسیقی راهی خارج از کشور شدند. آنها کار کردند و شما در داخل کشور مشغول «بیکاری» بودید. چرا؟ من نمی‌خواستم پدر و مادر و خانواده‌ام را رها کنم و به دیار غربت بروم. کار نکردن من در اینجا هم دلیل داشت. طی هفده سالی که من سکوت کرده بودم، موسیقی پاپی وجود نداشت. دوران جنگ بود و موسیقی حماسی. من برای موسیقی حماسی حرمت بسیاری قایلیم و معتقدم کسی که قرار است موسیقی حماسی خلق کند، باید این کاره باشد. سبک من موسیقی حماسی نبود و به همین دلیل وارد این حیطه نشدم.

**انقلاب** از کارهای جدیدتان می‌گویید؟ آخرین آلبومی که کار کردم، برای یک خواننده جوان، خوش صدا و مستعدی است به نام آریا آهنچی که خودش موسیقی را می‌شناسد و در واقع موزیسین است. گیتاریست است و در سبک‌های مختلف می‌نوازد. فکر می‌کنم آلبوم این خواننده جوان دو، سه ماه دیگر منتشر می‌شود. خواننده دیگری به نام روزبه میرزاده هم هست که کارش به زودی با موسیقی من منتشر می‌شود. با بسیاری دیگر از خوانندگان جوان دیگر همکاری‌هایی داشته‌ام.

**انقلاب** در موسیقی ما افراد اضافی و سیاهی لشکر زیادند. آن‌ه‌ای که نفرات شایسته و محق موسیقی ما را شامل می‌شوند، احترام شما را دارند؟ بله، خیلی زیاد. من پس از هفده سال دوباره فعالیت‌هایم را آغاز کردم و باورم نمی‌شد که تا این حد مورد علاقه و احترام مردم و اهالی موسیقی قرار بگیرم.

**انقلاب** دیگر نمی‌خواهید بخوانید؟ چرا. وزارت ارشاد محبت کرده و مجوز کنسرت من را صادر کرده و ان‌شأ... تا دو، سه ماه دیگر آماده کنسرت خواهیم شد. در این کنسرت کارهای خودم و چند کار فولکلور را اجرا خواهم کرد.

**انقلاب** هنوز هم حوصله سر و کله زدن با جوان‌ترها را دارید؟

بله، خیلی زیاد. هنوز خودم را جوان می‌دانم. من از صبح که از خواب بیدار می‌شوم، با موسیقی زندگی می‌کنم. مدام موسیقی‌های مختلف به ذهنم خطور می‌کند و من هم سعی می‌کنم آنها را بسط دهم.

**انقلاب** گیتار هم که همیشه همراهتان است، در کنسرت‌هایتان هم گیتار می‌زنید؟ بله، همیشه.

**انقلاب** تا به حال کنسرت داشته‌اید؟ بله، در استکهلم برنامه‌هایی داشتم که باعث شد به سایر ایالت‌های آنجا نیز دعوت شوم. در سوئد هم به همراه گروهی که در همان جا جمع و جور کردم، برنامه اجرا کردم، هم به صورت تکی.

**انقلاب** امضای تورج شعبانخانی در آهنگسازی چه بوده؟

معمولاً دوستانم تشخیص می‌دهند که کار مال من است. نمی‌توانم به شاخصه خاصی اشاره کنم اما اصولاً کارم مشخص است.